

قرآن چگونه گردآوری شد

(قسمت آخر)

اگر چه حکام وقت در یکسان سازی قرآن های جدید فراوان بخرج می دادند ولی مسلمانان تا مدت زیادی در مقابل این تغییرات مقاومت می کردند. به نظر می رسد که پس از محمد جانشینان او که از قوم قریش بودند پس از یکسان سازی قرآن در زمان عثمان با هر خواندن قرآن با هر نوع لهجه ای غیر از لهجه خودشان مخالفت می کردند. البته در این میان کسانی هم بودند که با مطرح کردن بحث قرآناً قرآن سعی در آن داشتند که نحوه خواندن قرآن را از حالت انحصاری لهجه قریش خارج سازند. مثلاً ابو شامه در دفاع از خواندن قرآن به لهجه های مختلف می گوید: حق همین است؛ زیرا علت اجازه قرآنت قرآن به غیر لهجه قریش، توسعه بر عرب بوده است؛ چون سزاوار نیست تنها بر یک قوم توسعه داده شود. بنابراین هیچ کس جز به اندازه توانش، مکلف نمی گردد. کسی که عادت در لهجه و لغت او، اماله یا تخفیف همزه یا ادغام یا مضموم نمودن میم جمع یا وصل هاء کنایه و چیزهایی شبیه این امور است، چگونه به گونه ای دیگر تکلیف شود؟ (التمهید، ج ۲، ص ۹۹ و ۱۰۰)

البته اختلاف بین لهجه ها خود بخود باعث تغییر در قرآن می شد مثلاً کسی که از قبیله هذیل باشد، به جای حتی حین (مؤمنون (۲۳) آیه ۵۴) حتی حین تلفظ می کند. کسی که از قبیله «اسد» (اسدی) است تعلمون و تعلم و تسود وجوه را به کسر تاء فعل مضارع تلفظ می کند. تمیمیان به جای تخفیف همزه که در قریش مرسوم است، همزه را اظهار می کنند. و بنا بر این کاملاً طبیعی بود که حتی پس از یکسان سازی قرآن ها توسط عثمان سالها بعد دوباره بین مسلمانان اختلاف پدید آمد نگاهی به تاریخ مرگ بزرگان علم قرآن نشان می دهد که نیمه دوم قرن اول هجرت در حالی آغاز می گردد که بسیاری از راویان معتبر قرآن فوت کرده و نسلی نو با افکاری جدید جایگزین آنها شده بود (تاریخ وفات این گروه، در تبیین شرایط جدید حاکم بر این مرحله بسیار سودمند است: ابوبکر (۱۲ ق.)، عمر (۲۳ ق.)، ابی بن کعب (۲۹ یا ۳۳ ق.)، عبدالله بن مسعود (۳۲ ق.)، ابوالدرداء (۳۲ ق.)، معاذ بن جبل (۳۳ ق.)، حذیفه بن یمان (۳۵ ق.)، عثمان (۳۵ ق.)، علی بن ابی طالب (۴۰ ق.)، ابوموسی اشعری (۴۴ ق.)، زید بن ثابت (۴۵ ق.)، ابو عبدالرحمن سلمی (۴۷ ق.) و ابن عباس (۶۸ ق.).

اما قرن دوم هجرت را قرن اختلافات شدید البته از نوعی دیگر در تاریخ قرآن می توان نامید و منشأ اصلی این اختلافات دو شهر بصره و کوفه بودند باز هم نگاهی به تاریخ مرگ صاحب نظران معتبر قرآن که هر کدام هم برای خود مدعی یک قرآنت خاص بودند به روشن شدن موضوع کمک می کند

ج) کوفه

یحیی بن وثاب (م ۱۰۳ ق.)، عاصم بن ابی النجود از قرای سبعه (م ۱۲۷ ق.)، سلیمان اعمش از قرای اربعه عشره (م ۱۴۸ ق.)، حمزه بن حبیب زیات از قرای سبعه (م ۱۲۳ ق.) و کسانی از قرای سبعه (م ۱۸۹ ق.).

د) بصره

عبدالله بن ابی اسحق (م ۱۲۹ ق.)، ابو عمرو بن علاء از قرای سبعه (م ۱۵۴ ق.)، حسن بصری از قرای اربعه عشره (م ۱۱۰ ق.)، عاصم جحدری (م ۱۲۸ ق.) و قتاده بن دعامه (م ۱۱۷ ق.).

و البته این اختلاف در قرآن روز به روز بیشتر می شد و هر کسی برای خود مدعی یک نوع خاص از خواندن قرآن بود و در شهر های دیگر نیز مدعیانی ظهور کردند که صاحب نام های آنها به شرح زیر است

الف) مدینه

ابوجعفر یزید بن قعقاع از قرای عشره (م ۱۳۰ ق.)، شبیه بن نصح (م ۱۳۰ ق.) و نافع بن ابی نعیم از قرای سبعه (م ۱۶۹ ق.).

ب) مکه

عبدالله بن کثیر از قرای سبعه (م ۱۰۳ ق.)، حمید بن قیس اعرج (م ۱۳۰ ق.) و محمد بن محیصن از قرای اربعه عشره (م ۱۲۳ ق.).

ج) شام

عبدالله بن عامر از قرای سبعه (م ۱۱۸ ق.)، عطیه بن قیس کلابی (م ۱۲۱ ق.) و یحیی بن حارث ذماری (م ۱۴۵ ق.).

البته در بوجود آمدن این اختلافات همیشه موضوع دکانداری و سو استفاده از دین نیز وجود داشته است مثلاً وقتی بازار قرآنت در قرن دوم و سوم رواج پیدا می کند و در این میان عده ای از قاریان از دیگران سبقت می گیرند و آوازه و شهرت آنان همه جا را فرا می گیرد، گروهی دیگر نیز، که در طلب نام و نان و مقامی هستند، شهرت خویش را در انتخاب قرآنت هایی نادر و

مخصوص به خود می‌جستند. اینان تمامی سعی خود را بر این قرار می‌دهند که قرآن را به گونه‌ای بخوانند که دیگران نمی‌خوانند و البته برای قرانت خویش نیز با توجه به نقص و ایرادات ذاتی که در خود قرآن وجود دارد، دلیل‌تراشی نیز می‌نمودند. بعضی قاریانی که به قرانت‌های شاذ و نادر روی آورده و شیفته چنین قرانت‌هایی گردیده‌اند، به احتمال زیاد تحت تاثیر این خصلت قرار گرفته و مثل بسیاری از آخوندان این زمان دین و قرآن را وسیله‌ای برای شهرت و کسب پول و قدرت خویش قرار داده بودند. البته در معروف شدن یک قرانت نیز سواد فرد راوی و میزان نفوذ او در مراجع قدرت و میزان مقبولیت او در مراجع دینی تاثیر زیادی داشت و در هر صورت معروفیت یک قرانت به معنای معروفیت راوی و سرکیسه کردن مردم عامی توسط آن قرانت بود. کمابینه امروزه نیز از همین قران بسیاری به نان و نوا رسیده اند که شمار آن در کشور ما کم نیست .

خلاصه اینکه دامنه این اختلافات تا قرن چهارم میلادی کشیده شد و دیگر کسی را یارای آن نبود که مانند عثمان همه قرانت ها را از بین برده و یکی را جایگزین آن سازد زیرا عثمان هم خود از یاران بزرگ محمد بود و هم سایر یاران محمد بشدت از او حمایت می کردند ولی در قرن چهارم دیگر هر کسی برای خود مدعی بود و کسی هم نمی توانست ادعا کند که مثلا فلان قرانت را خود از زبان محمد شنیده است اما در این میان فردی بنام ابن مجاهد در اقدامی ضربتی، موضوع اختلاف در قرانت قرآن را برای همیشه مسدود می‌کند و با انتخاب هفت قرائت از قاریان قرن دوم هجری و تدوین آنها در کتاب السبعه همه مدعیان روزگار خویش را، که بلافاصله از خود عکس‌العمل نشان می‌دادند را در مقابل عمل انجام شده‌ای قرار می‌دهد. در واقع ابن مجاهد مجبور به این کار بود. و او نمی توانست یک قرانت را بپذیرد و دیگری را رد کند و بناچار هفت قرانت را که هر کدام به نوعی مقبولیت بیشتری داشت را رسماً پذیرفته و مابقی را مردود اعلام می کند .

قرانت های شاذ:

همان طور که توضیح داده شد اختلاف در مورد قرآن هم به کل کتاب مربوط بود که قرآن ها در زمان عثمان یکسان گردید ولی این اختلاف بعد ها به قرآن های عثمانی هم سرایت پیدا کرد زیرا این قرآن ها هم دقیقا مانند هم نبودند و بعد از نقطه گذاری و تبدیل آن به الفبای عربی بر دامنه اختلافات افزوده شد و حتی امروزه هم، قرآن های رایج با هم اختلافاتی دارند و شبیه هم نیستند. و جالب است بدانید علمای اسلام برای تشخیص یک قرانت صحیح شرایط زیر را قرار داده اند:

شرط اول : صحت‌سند قرانت. باید قرانت‌شناخته شده، دارای سند صحیح تا یکی از صحابه باشد .

شرط دوم : با رسم الخط قرآن توافق داشته باشد .

شرط سوم : با قواعد ادبی عرب توافق داشته باشد .

هرگاه قرانتی دارای این سه شرط باشد، صحیح و مورد قبول است. اگر یکی از این شروط را نداشته باشد غیر صحیح و مردود است. اصطلاحاً به قرانتی که فاقد شروط مذکور است، 'شاذ' گویند.

به زبان دیگر یعنی ساختمان نوشتاری قرآن آنقدر متزلزل و دارای ابهام است که برای قرانت آن هم شرط و شروط دارد که یکی از آنها سازگاری با قواعد ادبی است ولی در آینده خواهیم دید که محمد و شاید خدای او در بسیاری از موارد در قرآن امروزی اشتباهات گرامری فاحشی کرده است .

آیا این به ذهن انسان خطور نمی کند که با این همه آیه و حدیث که در مورد عاری از تغییر بودن قرآن دارد و مقایسه آن با سرگذشتی که مختصراً از آن دیدیم نشان می دهد که همه این آیات و احادیث دروغی بزرگ برای فریب میلیون ها انسان در گذشته و حال بوده و است. در واقع از ابتدای تکوین دستاویزی برای استثمار انسانهای جاهل و نا آگاه بوده و هست و متأسفانه خواهد بود .

آفتاب تابان

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>